



۲۰۱/۰۶/۰۱

عارف عباسی

## خط تحمیلی و استعماری دیورند!

بخش دوم

### ۶ - ممالک اسلامی:

موقف عربستان سعودی در مضمون بی نهایت عالی، پر محتوی و ارزنده دانشمند محترم جلیل غنی هروی در مورد کنفرانس ریاض روشن گردید که دارالسلطنه سعودی با گذشته و سوابق خود مبرهن این که کدام قدرت آنها را روی کدام مقاصد بر اریکه قدرت تکیه داد و متولی دو مکان مقدس اسلام گردانید، نه تنها دوست و حامی پاکستان اند بلکه خود دهشت افکن و دهشت پرور بوده مرا در اسلامیت شان شک است که چگونه جیوانه، ذلیلانه، و بی عزت و بی کرامت در پای داندل ترمپ خمیده و از کسی پذیرایی شاندار بعمل آوردند که از اعماق قلب خصومت با اسلام، طرز دید و تفکرش بوده و اسلام کوبی و اسلام ستیزی اش قید اسناد است. در پایش ۳۵۰ بلیون دالر عواید تیل و حج را ریختند. (با چنین مبلغ ملیون ها مسلمان از فقر و بینوایی در افریقا و آسیا و شرق میانه رهایی می یافتند) در حالی نزد خودشان اشتر و باز شکاری شان محترم تر و معزز تر از زن است، ۱۰۰ ملیون دالر را برای ایوانکارو نمایی داده و در نهضت بهتری حال زن سهم شدند و در پای قرار دادی صحه گذاشتند که به تجهیزات مندرج آن قطعاً ضرورت نداشته و توان استفاده آن را نداشتند طوری که صدام حسین قدرت اسلحوی و جنگی شان را در حمله بر کویت در آزمون کشید. کدام های شان از خریداری های قبلی را که موربانه خورده و استفاده نشده پر است. این سلطنت نه تنها ملت سعودی را گروگان گرفته بلکه جمیع ملل ممالک خلیج در اسارت شان است.

در کنفرانس ریاض به ارتباط دهشت افگنی در اثر نفوذ پادشاه سعودی تذکری از پاکستان نرفت. قتل ده ها هزار سپاه و مردم بیگناه و ملکی افغانستان برای سعودی ارزش نداشته و خمی به ابروی شان نمی آورد. افغانستان از چنین نظامی توقع ترحم و دلسوزی داشته نمی تواند چه رسد که از داعیه برحق استرداد خاکش در برابر پاکستان حمایه کند.

ترکیه در بدو تأسیس پاکستان با عربستان سعودی با پیشنهاد افغانستان مبنی بر عدم شمول پاکستان در ملل متحد مخالفت نمود. ترکیه علایق مستحکم دیرینه سیاسی و هم پیمانی با پاکستان دارد و هرگز افغانستان را در این موضوع پشتی بانی نمی کند.

مصر، سودان مراکش، الجزایر، اندونیزیا، مالیزیا، تاجکستان، ازبکستان، قرغزستان و ترکمنستان در شرائط کنونی از این حق افغانستان «دیورند» دفاع نکرده، شاید در موضوع تروریسم معضله افغانستان را درک کنند.

## ۷ - ملل متحد:

### الف: مجمع عمومی سالانه:

در این جلسه از لحاظ تعامل و پروتوکول موضوعات متنازع فيه مملکتین مطرح نگردیده بلکه در فیصله و تصاویب، مسائل عمده پالیسی های جهانی، روابط شمال و جنوب، مسائل اقلیم، فقر، سواد و امراض و در صدر همه موضوع صلح جهانی، تخلفات از آن و تهاجمات نظامی بر قلمرو کشور دیگر و موضوعات بودجوی و فعالیت های ارگان های مختلف ملل متحد با تغییرات در ساختار و نحوه فعالیت یک تشکیل خاص ملل متحد و شمول و یا اخراج یک عضو، مطرح گردیده در صورت لزوم رأی گیری صورت می گیرد و هر مملکت حق یک رأی دارد.

تعداد اعضای فعلی ملل متحد به ۱۹۳ مملکت بوده و نمایندگان ممالک در بیانات خود موضوعات مربوط کشور، منطقه و یا جهان را با پیشنهادات خاص ارائه می دارند.

فیصله های مجمع عمومی سالانه به استثنای موضوع بودجه و سهمیه اعضای صیغه اجرایی ندارد.

نماینده حکومت افغانستان به اجازه پیر و استاد میتواند بالای عامل اصلی بی امنیتی و عدم ثبات مملکت قتل هزاران باشندده اش و ویرانی مملکت و رکود اقتصادی سخن رانده پاکستان را مسؤول این حوادث بداند و توجه خانواده ملل را برای پیدا نمودن یک راه حل دائمی و مطمئن جلب نماید. البته بعضی ممالک چون هندوستان از موقف افغانستان حمایت می کند ولی این موضوع بطور خاص مورد رأی گیری قرار نگرفته شاید تصامیم در مورد مبارزه جهانی علیه تروریسم اتخاذ گردد.

### ب - شورای امنیت:

شورای امنیت ملل متحد که مشتمل از ۵ عضو دائمی با صلاحیت رد «ویتو» و ۱۰ عضو مؤقتی که بصورت متناوب از مناطق جغرافیایی کاندید شده و با رأی اکثریت برای دوسال مؤظف می گردند.

تصاویب شورای امنیت جنبه اجرایی داشته و مملکتی که در موردش تصویبی اتخاذ گردد مکلف به تطبیق مصوبه است. در این شورا امکان بحث روی معضله سرحد تحمیلی دیورند موجود است، اگر از طرف یک عضو دائمی و یا مؤقتی پیشنهاد گردد و موافقت ۵ عضو دائمی باید موجود باشد، اما شرط عینی حکم می کند این موضوع از طرف یک یا چند عضو دائمی رد «ویتو» گردد.

چون تروریسم بین المللی یک بحران و خطر جهانی را ایجاد نموده، اگر شورای امنیت برای مبارزه با تروریسم و ریشه کن کردن آن از ماوا های حمایتی و تحکیم بخشی به ارتباط نا امنی، عدم ثبات و کشتار و ویرانی در افغانستان و آسیب رسانی به منطقه و دنیا مصوبه ای را به تصویب برساند که پاکستان مکلف به تطبیق آن بوده، طالبان افغانی را از خاک خود اخراج نموده و پایگاه ها و قرار گاه های شان را در پاکستان مسدود سازد و در امتداد سرحد افغانستان و پاکستان قوای صلح ملل متحد برای نظارت مستقر گردد.

## ۸ - فرضیه غیر مستند:

از چندین سال بدینسو می شنویم که توسط بازیگران مقتدر و عمده سیاسی، اقتصادی و نظامی طرحی اندر خیال است که جغرافیای سیاسی این منطقه را تغییر می دهد که منجر به تجزیه پاکستان شده ایالات سند و پنجاب و کشمیر متعلق به هندوستان و پشتون های هر دو طرف خط دیورند بشمول ولایات شرقی، جنوب شرقی و جنوبی افغانستان و بلوچستان

یک مملکت جداگانه را ساخته و افغانستان به دو بخش منقسم و کوتل خیر خانه سرحد شمال و جنوب را می سازد، هزاره جات و هرات شامل ولایات شمال و شمال شرقی مملکت نوی تشکیل می دهد که ازبکستان و تاجکستان هم شامل آن خواهد بود. که این فرضیه را می توان در صف خواب و خیال و محال گنجانید.

## ۹ - یک تخیل خوش بینانه که ناممکن نیست:

این خیال پردازی را اگر و مگری زیادی همراه بوده و تغییرات و تحولات بنیادی را در ساختار های اساسی ممالک شامل منطقه ایجاب می کند.

اگر واقعاً تعقلی بکار رود و مصالح علیای ملی، سیاسی و اقتصادی صورت گیرد رقابت ها، خصومت ها و منازعات همه بخاطر یک خود ارادیت همه جانبه مسیر یافته دین (روشن صلح آمیز با صفاه و صمیمیت) بحیث وجه مشترک باشندگان را اتصال بخشد، بهترین راه تشکیل یک اتحادیه منطقوی سیاسی و اقتصادی است به شمول پاکستان (فهم تخنیک و صنایع)، افغانستان (با منابع پر بهای طبیعی و قوه کار) ایران (با عواید سرشار نفت پیشرفت تکنولوژی)، ازبکستان و تاجکستان (با منابع انرژی و محصولات زراعتی) ترکمنستان (با غنای منابع سرشار انرژی) و قزاقستان و قرغزستان (با دارایی های طبیعی و صنعتی). گرچه این خیال است و یک آرزومندی ولی محال و ناممکن نیست.

این آرمان در صورتی تحقق می یابد که در همه ممالک شامل این اتحادیه یک نسل نو پیش تاز منور واقع بین در رأس زعامت های ملی توسط انتخابات شفاف و دموکراتیک قرار گرفته ممالک از زعامت کهنه پیکان، داینسور ها و گماشتگان و وابستگان استعمار نو و کهنه رهایی یافته و نفوذ جنایت کاران و فساد پیشگان و خون خواران در تعیین سرنوشت ممالک بر چیده شود.

در چنین شرائطی طی توافقنامه های اقتصادی و سیاسی هر کشوری با صیانت استقلال سیاسی خود مرادوات و رفت و آمد ها را سهل ساخته و منازعات سرحدی در پهنای چنین هم بستگی و پیوند ها حل می گردد.

(۱) در احصائیه پشتون های مقیم پاکستان ۱ و ۷ میلیون مهاجر افغان که در پاکستان بصورت قانونی اقامت دارند و تعداد اولاد های شان که در ظرف سه دهه در پاکستان تولد شده اند شامل نیست.

پایان بحث